

دیپلماسی مدبرانه: الگوی برآمده از چهار دهه مقاومت اقتصادی در ایران پس از انقلاب اسلامی

مجید عباسی^۱

چکیده

همه کشورها برای رسیدن به درجه مطلوبی از توسعه برنامه‌ریزی کرده و جهت تحقق یا ارتقای آن راهبردهایی را در نظر می‌گیرند. کشورهای توسعه‌یافته درصد توسعه روزافزون و افزودن بر فاصله خود با کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه هستند؛ در مقابل سایر کشورها نیز در پی کاستن از شکاف موجود می‌باشند. برای رسیدن به توسعه ملی مناسب به ابزارهای متنوع از جمله دیپلماسی مدبرانه نیاز است. دیپلماسی مدبرانه می‌تواند تسهیل‌گر توسعه ملی از طریق تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ارتباط نظام‌مند با جامعه بین‌الملل و بهره‌گیری از فرصت‌ها باشد؛ الگویی که پس از چهار دهه انقلاب اسلامی ایران می‌تواند مورد توجه دیپلماسی قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور مهم در حال توسعه تلاش دارد تا بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به کشوری توسعه‌یافته و قدرت نخست منطقه تبدیل شود. یکی از ابزارهای تحقق این امر بهره‌گیری از دیپلماسی مدبرانه است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش اصلی است که دیپلماسی مدبرانه با بهره‌گیری از چه راهبردهایی می‌تواند به تحقق توسعه مطلوب اقتصادی و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منجر شود؟

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی مدبرانه، سیاست خارجی ایران، توسعه ملی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، اقتصاد جهانی.

مقدمه

امروزه در میان کشورهای جهان رقابتی جدی برای توسعه و رشد اقتصادی در حال انجام است، زیرا توسعه از مهم‌ترین عوامل افزایش نفوذ و اقتدار کشورها در روابط بین‌الملل است. برای رسیدن به توسعه مطلوب، عوامل متعدد و گوناگونی باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا در حرکتی متوازن، پایه‌گذار و شتاب‌بخش توسعه ملی باشند. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در حرکت چرخ‌های توسعه، دیپلماسی و سیاست خارجی است که با توجه به روندهای جهانی شدن و تحول در مناسبات بین‌المللی از اهمیت روزافزونی در توسعه کشورها برخوردار است.

امروزه بایسته‌های اقتصاد جهانی از یک‌سو و ضرورت پیوند عناصر اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌الملل از سوی دیگر، در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی را برای کشورها الزام‌آور کرده است. به عبارت بهتر، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، دیپلماسی در عصر جهانی شدن بیشتر از قبل در خدمت اهداف اقتصادی و توسعه قرار گرفته است. توسعه‌گرایی چارچوب رویه‌ها و الزامات اقتصاد جهانی به وجه غالب جهت‌گیری کلان اکثر کشورها تبدیل شده است. کمتر کشوری را می‌توان یافت که در پی دستیابی به مرتبه توسعه‌یافتگی و یا تثبیت جایگاه توسعه‌یافته خود در ساختار اقتصاد جهانی نباشد. معدود کشورهایی که بی‌توجه به این روند حرکت می‌کنند، دچار آسیب‌های شدید امنیتی و اقتصادی خواهند شد. در چنین شرایطی کشورها برای حفظ امنیت، مشروعیت و تداوم بقای خود ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های مناسب برای طی فرایند توسعه هستند.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز چاره‌ای جز بازتعریف برخی کارویژه‌های سنتی و اتخاذ راهبردهایی برای تحقق اهداف توسعه ملی مطلوب ندارد. جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله مهم‌ترین هدف خود را توسعه قرار داده است. دستیابی به توسعه مطلوب جز با انسجام تمامی بخش‌های مرتبط و از جمله دیپلماسی امکان‌پذیر نیست. جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله دارای وظیفه‌ای اسلامی-ایرانی است؛ آموزه‌های اسلامی-ایرانی ایجاب می‌کند که دولت در جمهوری اسلامی ایران براساس کارویژه یک دولت ملی و توصیه‌های اسلامی، که تلاش حاکم اسلامی برای افزایش رفاه و سعادت دنیوی مردم را تلاشی مقدس می‌داند، عمل کند. از این منظر، توسعه از جایگاه مهمی در میان اهداف سیاست خارجی برخوردار است.

یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، «عزت» است. برای حفظ استقلال، عزت و امنیت کشور نیز توسعه اجتناب‌ناپذیر است. برای تحقق توسعه و در نتیجه

عزت و سربلندی در سطح بین‌المللی، دیپلماسی مدبرانه ابزاری بسیار مهم است که در ارتباط تنگاتنگ با سیاست داخلی، مقدمات توسعه ملی را فراهم می‌آورد.

هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ به این پرسش اصلی است که با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌های ظالمانه، دیپلماسی مدبرانه چگونه و با بهره‌گیری از چه راهبردهایی به توسعهی مطلوب اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود؟ فرضیه اصلی به این قرار است که «دیپلماسی مدبرانه با ارائه تصویری مثبت و هنجارمند و با ایجاد روندی مناسب برای ایفای نقش به‌عنوان بازیگری سازنده در سطوح منطقه‌ای، بین‌المللی و با بهره‌گیری از راهبردهای تنش‌زدایی، اعتمادسازی، توسعه روابط با محیط پیرامونی و فرایرامونی براساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، جلوگیری از امنیتی شدن مسائل راهبردی ایران، دیپلماسی عمومی، استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز شناخت صحیح نیازها در بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به توسعه مطلوب اقتصادی جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود.»

۱- دیپلماسی توسعه‌گرا: چارچوب مفهومی

توسعه واژه‌ای است که از علوم طبیعی به علوم اجتماعی منتقل شده و در مورد تحقق و شکوفایی استعداد بالقوه یک دانه، موجود زنده و ارگانیسم به کار می‌رفته، که سپس به تحقق استعدادهای افراد و جوامع بشری ارتباط داده شده و با واژه‌هایی چون رشد و تکامل همانند گردیده است. (موثقی، ۱۳۸۳: ۲۲۵) همچنین واژه توسعه با در نظر گرفتن درجه پیشرفت جوامع به تقسیم آن‌ها به توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بر مبنای رشد و تکامل اجتماعی منجر شده است. توسعه، کارکرد اصلی و جوهرین همه دولت‌ها است و حذف راهکارهای توسعه از سیاست‌های دولت‌ها امکان‌ناپذیر است.

امروزه با توجه به اهمیت بیشتر رابطه میان توسعه و دیپلماسی و نیز با توجه به تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل در فرایند جهانی شدن که در آن‌ها مسائل اقتصادی و فناورانه نسبت به مسائل سیاسی و نظامی اولویت بیشتر و تعیین‌کننده‌تری یافته‌اند، نگرش سنتی به دیپلماسی، امنیت ملی و مسئله قدرت، دیگر قابلیت تبیین چندانی همچون گذشته ندارد. در این راستا، دیپلماسی و سیاست خارجی کوششی برای توسعه و عملیاتی‌سازی آن است. به‌عبارت بهتر، ابزاری مهم و کارآمد برای عملی نمودن سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها است. توجه به اهمیت عناصر قدرت اقتصادی در تأمین قدرت (به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه قدرت نظامی) و امنیت ملی، توسعه

اقتصادی و فناورانه و همچنین افزایش نفوذ فرهنگی و قدرت نرم سیاسی موجب شده است که تحقق توسعه اقتصادی در صدر اولویت‌های دیپلماسی کشورها قرار بگیرد. برای تبیین رابطه دیپلماسی و توسعه اقتصادی توجه به چهار حوزه «قدرت»، «امنیت»، «نهادسازی» و «فرصت‌سازی» الزامی است:

۱-۱. قدرت و توسعه اقتصادی

قدرت در مفهوم کلاسیک و به‌ویژه تا پایان جنگ سرد، به شدت تحت تأثیر دیدگاه رئالیسم است. از دیدگاه رئالیست‌ها قدرت در اکثر موارد براساس منابع نظامی سنجیده و ارزیابی می‌شود. در این نگرش هدف کسب قدرت، تأمین منافع ملی و حفظ توازن قدرت نظامی است و اصول حاکم بر آن تابع بازی حاصل جمع صفر است. در این دیدگاه اقتصاد اولویت بالایی در میان اهداف ملی ندارد و در زمره منافع ملی ثانویه قرار دارد؛ بنابراین اقتصاد در خدمت سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی و امنیت ملی (نظامی) است.

با پایان جنگ سرد و آغاز دوران جدیدی از روابط بین‌الملل و توسعه مصادیق جهانی‌شدن، مفهوم قدرت از دو جنبه کلان دچار تغییر شد. نخست اینکه، قدرت در مفهوم جدید فقط در چارچوب منابع مادی محدود نمی‌شود بلکه مقوله‌ها و مناسبات اجتماعی و ارزش‌ها و چارچوب‌های معنایی نیز در آن مهم است. (Baenett & Duvall, 2005: 45) در عصر حاضر، اقتصاد و توسعه اقتصادی نقش بیشتری در اهداف و برنامه‌های سیاست‌گذاران پیدا کرده است. براساس این دگرگونی‌های عینی و عملی انجام شده در سیاست بین‌الملل، وزن و اهمیت توسعه اقتصادی در حال افزایش است به نحوی که می‌توان مدعی شد توسعه اقتصادی به ابزار اصلی تأمین منافع و امنیت ملی تبدیل شده است. لذا عموم دولت‌ها در حال حرکت به سمت مسیری هستند که طی آن دیپلماسی به ابزاری برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی تبدیل می‌شود.

۱-۲. امنیت و توسعه اقتصادی

امنیت و توسعه از یک رابطه متقابل و هم‌افزا برخوردار هستند. در واقع توسعه از یک‌سو نیازمند امنیت و از سوی دیگر کمک‌کننده و ارتقاءدهنده امنیت است. به عبارت بهتر، توسعه خود یکی از روش‌ها و ابزارهای افزایش امنیت به‌شمار می‌آید. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که توسعه در یک محیط ناامن اتفاق نمی‌افتد. اصولاً دولت‌ها پس از تأمین امنیت و گذار از مرحله بقاء به موضوع توسعه و رفاه شهروندان و برنامه‌ریزی برای تحقق آن اقدام می‌کنند. (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸) در عصر جهانی‌شدن و با توجه به برون‌گرا شدن بیش‌ازپیش روندهای اقتصادی، پیوند

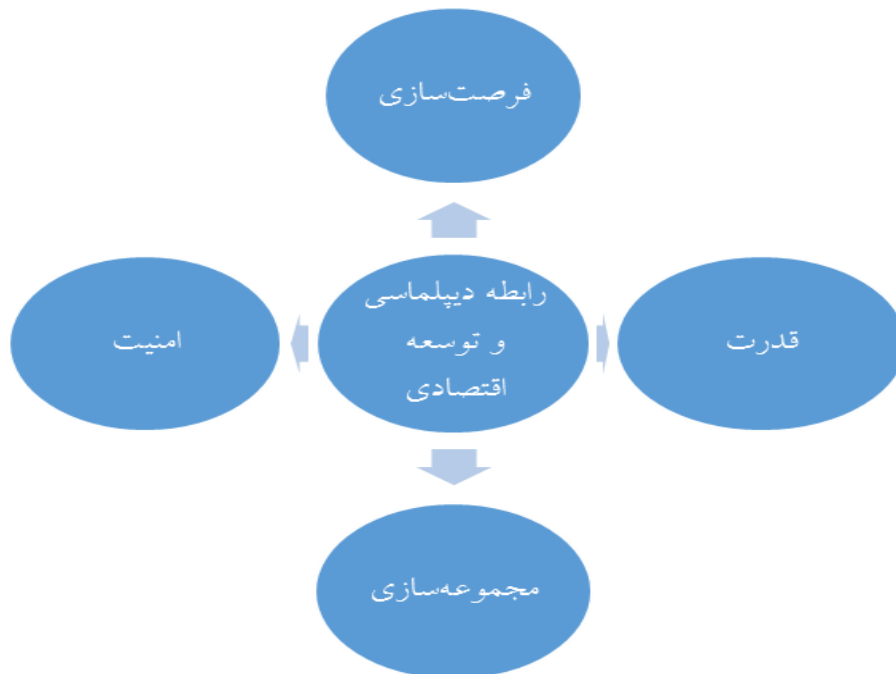
میان امنیت و توسعه بیشتر شده است. این نوع از توسعه نیازمند جذب سرمایه خارجی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است که این امر در محیط ناامن امکان‌ناپذیر است.

۳-۱. مشارکت فعال در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی

توسعه در عصر جهانی شدن با اتکا به خودکفایی سنتی و انزوا از دیگر کشورها به دست نمی‌آید بلکه نیازمند ملزومات اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که در قالب همکاری امکان تحقق آن وجود دارد. تجربه کشورها در امر توسعه نیز حاکی از آن است که اکثر آن‌ها مسیر توسعه اقتصادی را از طریق همکاری با نظام بین‌الملل طی کرده‌اند. در واقع، یکی از شروط مهم توسعه اقتصادی استفاده بایسته از ظرفیت‌های اقتصادی در جامعه بین‌المللی است؛ این ظرفیت‌ها نیز در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و یا در اتحاد و ائتلاف با کشورهای دیگر محقق می‌شوند.

۴-۱. دیپلماسی و فرصت‌سازی بین‌المللی

سیاست خارجی و دیپلماسی یکی از مهم‌ترین مباحث در زمینه توسعه است. دیپلماسی از منظر فرصت‌سازی بین‌المللی دارای دو بُعد مهم است. در بعد نخست، دیپلماسی باید با شناسایی امکانات بین‌المللی زمینه‌های دسترسی فرایندهای توسعه ملی، شرکت‌ها و صنایع داخلی به آن را فراهم کند. ایجاد فرصت برای دسترسی به امکانات اقتصادی جهت تحقق توسعه در عصر جهانی شدن ضرورتی انکارناپذیر و یکی از مأموریت‌های مهم دستگاه دیپلماسی است. بعد دوم، مربوط به تصویرسازی است. در وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل، رشد جایگاه یک کشور می‌تواند عملی تهاجمی و علیه موازنه قوا تلقی شده و در نتیجه واکنش منفی سایر بازیگران را دربر داشته باشد؛ مگر آنکه دولت توسعه‌گرا نشان دهد که اهداف تجدیدنظرطلبانه نداشته و برد او به معنای باخت دیگران نیست. برای تحقق این امر دستگاه دیپلماسی باید به مقوله تصویرسازی مثبت از حرکت توسعه کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از طریق اعتمادسازی مانع از شکل‌گیری تصویر منفی در ذهن دیگر کشورها شود. (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴)

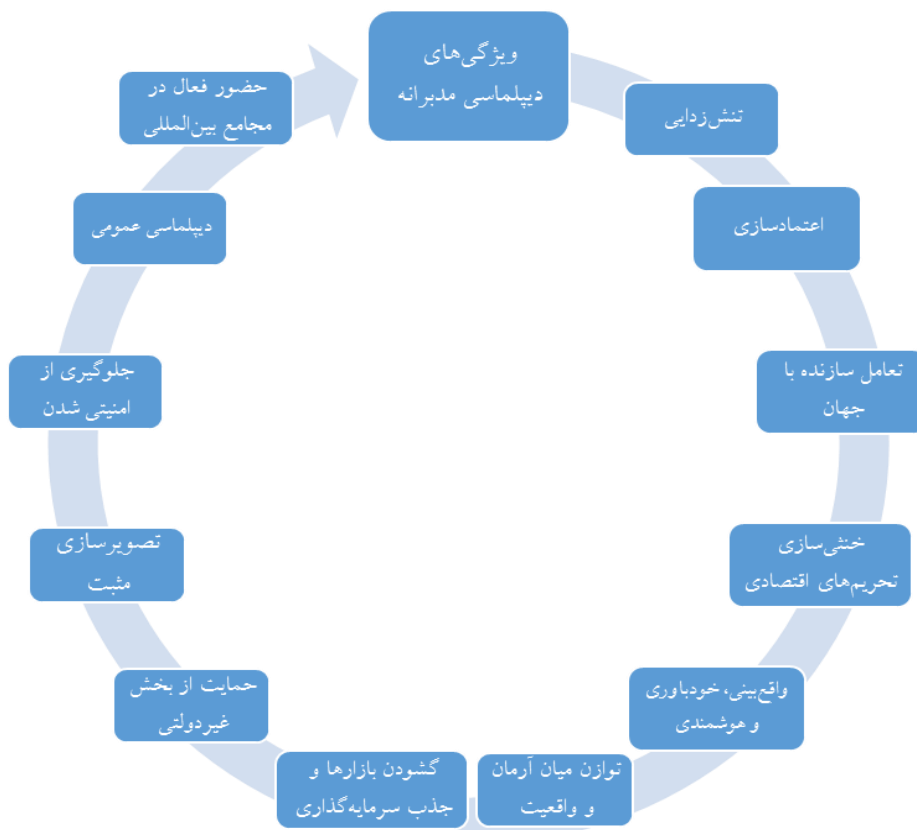


شکل شماره ۱. ارتباط دیپلماتی و توسعه اقتصادی (یافته‌های محقق)

در کشورهای در حال توسعه به دیپلماسی توجه چندانی نشده است. (رمضانی، ۱۳۸۳: ۳۵) این در حالی است که جایگاه توسعه و اهرم‌های اقتصادی در سیاست خارجی کشورهایی که به «توسعه‌یافته» معروف هستند، کاملاً آشکار و پذیرفته شده است. توسعه در سطح بین‌المللی امکان چانه‌زنی و استفاده از منابع و سرمایه‌های کشورهای دیگر را فراهم می‌کند. بنابراین کشورهایی که سطح توسعه مناسبی ندارند باید با توجه به تقویت ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در داخل، قدرت چانه‌زنی خود را بالا برده و در مرحله بعدی، از سرمایه‌گذاری و توانمندی‌های خارجی استفاده کنند. این امر نیازمند در پیش گرفتن دیپلماسی برنامه‌ریزی شده و مدبرانه با ویژگی‌های کلان زیر است:

- بهره‌گیری از راهبرد تنش‌زدایی و کاهش اصطکاک در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- اعتمادسازی و توسعه روابط با محیط پیرامونی و فرایرمامونی؛
- تعامل سازنده با جهان براساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت؛
- حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفت‌وگو و تعامل با جامعه بین‌المللی؛

- ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیت‌ها به سوی آرمان‌ها؛
- تلاش برای گشودن بازارهای بسته یا نیمه بسته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛
- حمایت از نهادها و شرکت‌های غیردولتی ایرانی فعال در عرصه اقتصاد بین‌المللی؛
- اعتدالی منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ارائه تصویری مناسب و مثبت از جمهوری اسلامی ایران؛
- جلوگیری از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران و گسترش ایران‌هراسی؛
- کوشش برای رفع یا کم اثر کردن تحریم‌های اقتصادی؛
- استفاده مناسب از دیپلماسی عمومی در سطوح مختلف؛
- حضور فعال و تأثیرگذار در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها.



شکل شماره ۲. ویژگی‌های دیپلماسی مدبرانه (یافته‌های محقق)

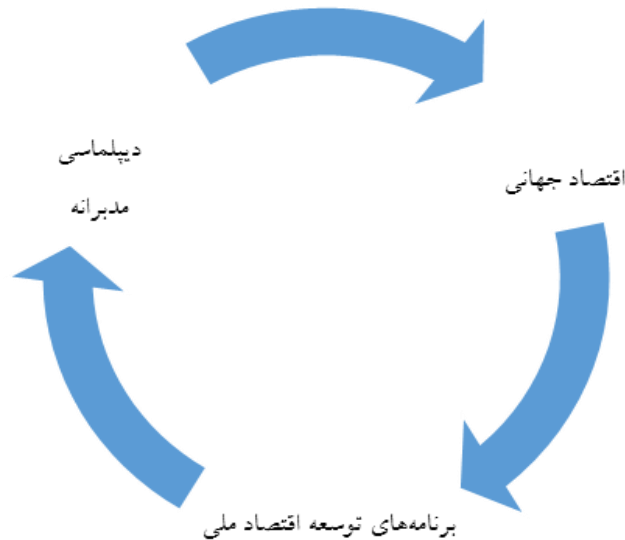
دیپلماسی مدبرانه فصل جدیدی از دیپلماسی فعال و تعاملی برای برطرف شدن سوءتفاهم‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید به حساب می‌آید. خردگرایی در سیاست خارجی و تحلیل مسائل براساس هزینه- فایده از ویژگی‌های این دیپلماسی است. (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۶۴) دیپلماسی مدبرانه تلاش دارد ضمن خروج از بن‌بست‌های سیاسی، چهره‌ای جدید از کشور ایران در روابط بین‌الملل پدیدار کند تا با کاستن از هزینه‌ها، بیشینه‌سازی منافع ملی صورت گیرد. درک صحیح از ساختارها و کارگزاران بین‌المللی و تناسب بین ساختار سیاست خارجی و کارگزاران دیپلماسی بر مبنای دو اصل «بازسازی ساختارها» و «بازتنظیم مناسبات و فرایندها» یکی از بایدهای دیپلماسی مدبرانه است. قائلان به این دیپلماسی معتقدند که با حفظ عزت، اقتدار و استقلال کشور، درک صحیح از واقعیت قدرت در عرصه بین‌المللی و شناخت درست قواعد بازی می‌توان با رعایت همان قواعد، منافع ملی را پیگیری کرد.

۲- سند چشم‌انداز بیست‌ساله و جایگاه توسعه ملی

هرگاه قرار است که متنی مبنای یک عمل جمعی قرار گیرد، در نخستین گام باید فهم مشترکی نسبت به آن شکل گیرد تا در پرتو آن نخبگان، تصمیم‌سازان و سیاستگذاران با یکدیگر پیوند یابند. سند چشم‌انداز بیست‌ساله این مبنا را برای دولت‌مردان فراهم می‌کند تا فارغ از نگرش‌های موجود برای تحقق آن تلاش کنند. مفهوم بنیادین و مقصود اصلی این سند، ترسیم افق روشنی از آینده کشور در حوزه‌های گوناگون بر مبنای توسعه ملی است.

این دغدغه بنیادی جهت‌گیری اصلی سند چشم‌انداز است. سند افق چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ به روشنی اهداف کلان کشور را به این صورت تعریف می‌کند: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی- فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» ماهیت این اهداف نشان می‌دهد که توسعه ملی کشور نمی‌تواند و نباید در تقابل با جهان به ثمر نشیند؛ بلکه از طریق تعامل سازنده است که منابع و ثبات لازم برای تحقق توسعه‌یافتگی فراهم خواهد شد. ابزار تعامل سازنده با جهان و نظام اقتصاد بین‌المللی نیز دیپلماسی است. سیاست خارجی و دیپلماسی یک کشور می‌تواند شرایط تعامل با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی و همچنین استفاده از امکانات و تسهیلات بین‌المللی مانند جذب سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های جدید برای توسعه را فراهم کند و از این طریق به توسعه و ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران کمک کند. برای تحقق اهداف فوق و حرکت در مسیر توسعه اقتصادی مطلوب نیاز

است که پیوندهای وثیقی میان اقتصاد جهانی، برنامه‌های توسعه ملی و دیپلماسی مدبرانه و هوشمند فراهم آید.



شکل شماره ۳. مدل ارتباط دیپلماسی، توسعه ملی و اقتصاد جهانی (یافته‌های نگارنده)

در این میان سه عامل در حوزه سیاست خارجی بیش از همه نقش بازی می‌کنند؛ گرایش به بازتعریف پیوندها و مناسبات قدرت موجود منطقه‌ای، رویارویی با چالش‌های نوین جهانی برای افزایش و گسترش دامنه تأثیرگذاری کشور در نظام بین‌الملل و بالاخره ایجاد و تعریف بنیان نوینی براساس اقتدار، عزت و امنیت ناشی از رفاه و توسعه ملی. این سه اصل به صورت نهان و آشکار چارچوب مفهومی و جهت‌گیری کلان چشم‌انداز در حوزه سیاست خارجی و ارتباط آن با توسعه ملی را مشخص کرده‌اند.

در حقیقت سند چشم‌انداز بیست‌ساله سندی راهبردی است که مسیر گذار کشور از وضع موجود (به‌عنوان کشوری در حال توسعه) به وضع مطلوب (کشوری توسعه‌یافته) را ترسیم می‌کند. عناصر کلیدی زیر در سند چشم‌انداز مورد تأکید قرار گرفته‌اند:

الف. تبدیل ایران از یک کشور در حال توسعه به یک کشور توسعه‌یافته طی بیست سال؛

ب. دستیابی ایران به مرتبه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه؛

ج. تداوم الهام‌بخشی در جهان اسلام؛

د. تعامل سازنده و مؤثر در نظام بین‌الملل.

محورهای راهبردی فوق نشان می‌دهند که سند چشم‌انداز درصدد دستیابی به توسعه ملی پایدار در یک افق بلندمدت و در تعامل با نظام بین‌الملل است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۲)

تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل به‌عنوان یکی از اهداف مهم سند چشم‌انداز، به مفهوم تعامل با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است. ویژگی رویکرد تعامل آن است که نه منفعل و نه فعال تهاجمی باشد بلکه به‌صورت همکاری و تفاهم دوسویه سازنده است. تعامل مشترک برای منافع مشترک است و در مقابل زیاده‌خواهی و زورگویی رویکردی پیشگیرانه و فعال اتخاذ می‌شود. اما در شرایط تعادل و توازن با روش بازی برد-برد و حداکثرسازی منافع طرفین تلاش می‌گردد. رویکرد انتخاب شده در سند چشم‌انداز نظریه تعامل براساس منافع ملی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. (رضایی میرقاعد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵: ۶۴۹-۶۵۰)

ایجاد شرایط نوین در عرصه سیاست خارجی می‌تواند با همگانی کردن گفتمان توسعه و کارآمدی و با تکیه بر ارزش‌های بنیادین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به حاکم شدن «گفتمان راهبردی توسعه» در سیاست خارجی بینجامد. سیاست خارجی با توجه به عوامل تأثیرگذار زیر می‌تواند در حرکت به سوی توسعه ملی کمک کند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. بهبود کارایی دستگاه‌های مسئول در امر سیاست خارجی؛
۲. افزایش میزان نقش و تأثیر ایران در رقابت اقتصادی منطقه‌ای؛
۳. گسترش مناسبات با کشورهای همسایه در برنامه‌های اقتصادی؛
۴. ایجاد محیط سیاسی و اقتصادی سازنده و رقابتی در سطح منطقه برای رسیدن به جایگاه نخست منطقه‌ای؛ (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۹۱)
۵. انجام پروژه‌های مشترک اقتصادی با کشورهای منطقه از طریق فعالیت نمایندگی‌های سیاسی؛

۶. استفاده از دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی نظیر خط لوله صلح؛
 ۷. ایجاد زمینه برای ارائه توانمندی‌های کشور و صدور فناوری به کشورهای جهان؛
 ۸. معرفی پتانسیل‌های کشور و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.
- سیاست خارجی‌ای که براساس راهبرد و برنامه‌ریزی هدف‌دار بنا شود و برای توسعه ملی و برآوردن حداکثری منافع ملی باشد، دو نوع چشم‌انداز خواهد داشت؛ یکی چشم‌انداز به معنای برخورداری از برنامه راهبردی برای رسیدن به اهداف و دوم چشم‌انداز به معنای آینده‌پژوهی. در حال حاضر بسیاری از کشورها دارای چشم‌انداز هستند و نه تنها برای خودشان بلکه برای همسایگان، رقبا و دشمنان هم چشم‌انداز ترسیم می‌کنند. برای مثال در سال ۱۹۸۶ آمریکایی‌ها

کتابی به نام «افول امپراطوری» منتشر کردند که چشم‌انداز اتحاد شوروی را بررسی می‌کرد و سناریوهای گوناگونی را مطرح کرده بود. یکی از سناریوها این بود که این امپراطوری دچار فروپاشی می‌شود که این امر در دسامبر سال ۱۹۹۱ اتفاق افتاد. در این راستا دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن برخورداری از برنامه‌ریزی راهبردی جهت تحقق اهداف عالییه چشم‌انداز، برای یافتن و درک روندهای بین‌المللی به آینده‌پژوهی برای ترسیم چشم‌انداز سیاست خارجی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کند. در نظام نوین بین‌المللی دیگر نمی‌توان بدون برنامه و هدف حرکت کرد؛ باید از سیاست خارجی فعال و نه منفعل برای حضور مؤثر در روابط بین‌الملل استفاده کرد. در کنار تأمین اهداف سیاسی و امنیتی باید فرهنگ توسعه را نیز در راهبردهای سیاست خارجی در نظر گرفت. به عبارت بهتر، سیاست خارجی را مکمل سیاست داخلی برای دستیابی به توسعه مطلوب قرار داد.

بر اساس آنچه گفته شد، برای رسیدن به توسعه ملی با الگو قرار دادن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و تحقق استلزامات آن از طریق فعالیت در نظام بین‌الملل، توجه به چند کارویژه مهم سیاست خارجی حائز اهمیت است:

الف. افزون‌بر استفاده از انباشت منابع داخلی به منابع و سرمایه‌های خارجی نیز توجه کافی شود.

ب. تنظیم روابط سیاسی با کشورهای هدف باید بر پایه ضرورت برون‌گرایی اقتصاد برای دستیابی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی و تسهیل بازرگانی با دیگر کشورها، استوار شود.

ج. در عین توجه به فناوری ملی و قابلیت‌های جوانان ایرانی در دستیابی به فناوری‌های نوین و پیشرفته، برای انتقال فناوری از کشورهای پیشرفته نیز اهتمام جدی صورت بگیرد.

سیاست خارجی توسعه‌گرا را در دو بخش می‌توان بررسی کرد؛ نخست سیاست خارجی‌ای که توسعه و وضعیت مطلوب اقتصادی از اولویت‌های نخست آن است و سایر اهداف در طول آن تعریف و تعیین می‌شوند. کشورهای توسعه‌یافته‌ای که منافع ملی خود را براساس قدرت اقتصادی تعریف می‌کنند؛ سوئیس، ژاپن، آلمان و کره جنوبی در این گروه قرار دارند. همچنین کشورهای در حال توسعه‌ای که درصدد کاهش عقب‌ماندگی و بهبود اوضاع اقتصادی هستند مانند اندونزی، مالزی و سنگاپور. در دومین معنا، سیاست خارجی توسعه‌گرا، نوعی سیاست خارجی است که برای تأمین سایر اهداف و منافع ملی، توسعه و رفاه اقتصادی را پیگیری می‌کند. در این وضعیت، منافع و امنیت ملی برحسب قدرت و توسعه اقتصادی تعریف نمی‌شوند ولی پیش‌شرط و باید آن تلقی

می‌گردند. از این رو، توسعه به‌عنوان پیش‌نیاز قدرت ملی در اولویت سیاست خارجی قرار می‌گیرد. سیاست خارجی کشورهای نظیر چین و هند در این راستا قابل ارزیابی است. با توجه به جوهره، منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی آن را نمی‌توان در قالب معنا و مفهوم نخست طبقه‌بندی کرد. از این رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تا حدودی در قالب تعریف دوم قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که توسعه اقتصادی به‌عنوان پیش‌نیاز و مکمل اهداف و منافع دیگر ضرورت می‌یابد. با این وجود، اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی در دوره‌های گوناگون سیاست خارجی ایران متفاوت است؛ مثلاً در دوران سازندگی توسعه اقتصادی جزء نخستین اولویت‌های سیاست خارجی بود؛ این در حالی است که در دوران دفاع مقدس در اولویت پایین‌تری قرار داشت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۲۵)

با این حال، می‌توان گفت که با وجود فراز و فرودهای اولویت توسعه در سلسله‌مراتب اهداف سیاست خارجی، این هدف پس از پایان جنگ تحمیلی به‌عنوان یک باید قدرت ملی در دستور کار سیاست خارجی قرار داشته است؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران به این اجماع رسیده‌اند که سطحی از توسعه و رفاه اقتصادی برای تحقق و برآوردن منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی حیاتی است. تعریف جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته با جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله گواه این موضوع است. بنابراین، می‌توان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را توسعه ملی نامید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۴-۳۶۵)

۳- دیپلماسی پویا و اقتصاد مقاومتی

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با ماهیتی تجدیدنظرطلب، نگرشی انتقادی نسبت به ساختار نظام بین‌الملل داشته است. از این رو، غرب و به‌ویژه آمریکا برای مقابله با این انقلاب ضد نظام سلطه از ابزارهای گوناگونی چون جنگ سخت مانند جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حمایت از منافقین و... استفاده کردند. لیکن به دنبال ناکامی در ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به اهداف کلان منطقه‌ای خود، در آخرین گام، جنگ اقتصادی و تحریم‌های شدید مالی به‌عنوان پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند. (امام جمعه‌زاده و محمودی، ۱۳۹۴: ۹۰) در همین راستا و با افزایش تحریم‌ها برای جلوگیری از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، عبارت «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات اقتصادی

ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار فعالان اقتصادی و کارآفرینان با مقام معظم رهبری مطرح شد. در این جلسه ایشان واژه اقتصاد مقاومتی را به کار برده و آن را دلیلی برای مواجه شدن با فشارهای اقتصادی دشمنان ایران و همچنین آمادگی کشور برای تغییر دانستند. (رنجبر اردکانی، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» براساس بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شد، تأکید کردند پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران است. همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی دارای ۲۴ بند است که برخی از آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با وزارت امور خارجه در ارتباط هستند. امور زیر از جمله این موارد است:

- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی به پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه.
- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق: الف) توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان؛ ب) استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی؛ ج) استفاده

از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛ د) رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن. (Khamenei.ir, 1392/11/29)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، وزارت امور خارجه یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان در تحقق اقتصاد مقاومتی و عنصر برون‌گرایی است. وظایف این نهاد در قانونی که در سال ۱۳۶۴ تحت عنوان «وظایف وزارت امور خارجه» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، شرح داده شده است. بخش‌هایی از این قانون که به‌طور مستقیم به وظایف این وزارتخانه در حوزه اقتصاد اشاره دارد، بند ۷ از ماده ۲ و ماده ۳ است.

براساس بند ۷ از ماده ۲ قانون وظایف وزارت امور خارجه، همکاری با دستگاه‌های اجرایی کشور و ارائه نظریات لازم با رعایت ملاحظات سیاست خارجی در جهت بررسی و تهیه طرح‌های مربوط به برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی، علمی، فنی و... برعهده این نهاد است. همچنین مطابق ماده ۳ این قانون، کلیه نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی مکلفند در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرارداد و همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و نظامی با کشورهای خارج و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی سیاسی لازم را با وزارت امور خارجه به عمل آورند. (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91058>)

طبق قانون فوق، وزارت امور خارجه مکلف است نسبت به فراهم آوردن موجبات تأمین هماهنگی و ایجاد ارتباط و تسهیلات لازم براساس اصول سیاست خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را انجام دهد. در راستای این امر راهبردهای زیر می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی و پویایی دیپلماسی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد:

۱-۳. ایجاد سازوکار پیگیری مذاکرات و تفاهم‌نامه‌های مالی و تجاری بین‌المللی

وزارت امور خارجه نقشی اساسی در به ثمر نشستن مذاکرات مربوط به قراردادهای مالی و تجاری کشور و اجرایی شدن آن‌ها دارد. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین وظایف وزارت امور خارجه دستیابی به درک متقابل در زمینه‌های تجاری و مالی در ارتباط با کشورهای همسایه و هم‌سو و حضور فعال و اثرگذار در زمینه پیشبرد مذاکرات مربوط به آنهاست. برای به نتیجه رسیدن تفاهم‌نامه‌هایی که وزارت امور خارجه به‌طور مستقیم منعقد می‌کند و معمولاً به فراموشی سپرده می‌شود، این وزارتخانه باید در اسناد پشتیبان مربوط به هر تفاهم‌نامه تجاری، مابه‌ازای نهادی هر یک از بندهای تفاهم‌نامه را به دقت مشخص نماید تا یک نهاد یا مجموعه یا بخش، ملزم به پیگیری آن شود.

۲-۳. ایجاد سامانه رسیدگی به مشکلات بازرگانان ایرانی در کشورهای خارجی

یکی از مهم‌ترین وظایف سفارتخانه‌های هر کشور، پاسخگویی به مطالبات و رفع نیازهای بازرگانان و تجار آن کشور است. سفارتخانه‌های ایران باید به محلی برای رجوع مستقیم و بدون دردسر بازرگانان ایرانی تبدیل شوند و پیش از هر نهاد دیگری، از مشکلات صادرکنندگان ایرانی مطلع شوند و برای حل آن برنامه‌ریزی کنند. این اقدام به‌عنوان یک اقدام اولویت‌دار در اقتصاد مقاومتی می‌باشد که وزارت امور خارجه باید به آن توجه ویژه داشته باشد.

۳-۳. استفاده از ظرفیت تعاملات گسترده سیاسی با کشورهای عراق و سوریه

به منظور ارتقاء همکاری‌های اقتصادی

وفور کالاهای مصرفی خارجی غیرایرانی در کشورهای عراق و سوریه نشان‌دهنده ضعف دستگاه دیپلماسی در بهره‌برداری از همبستگی سیاسی، امنیتی و دینی ایران با این کشورها، در جهت تحقق اهداف اقتصادی است. صداقت و پایداری ایران در حمایت از کشورهای هم‌سو برای بدبین‌ترین افراد نیز در کشورهای دوست و همسایه همچون عراق و سوریه اثبات شده است. بنابراین شرایط سیاسی بسیار مناسبی برای تحکیم روابط تجاری ایران با این دو کشور و نقش‌آفرینی در بازار آن‌ها فراهم است. از این‌رو لازم است وزارت امور خارجه با دیپلماسی فعال از بالا بودن سطح روابط سیاسی استفاده کند و روابط تجاری و اقتصادی ایران با این دو کشور را نیز گسترش دهد. همچنین ضروری است جایگاه شرکت‌ها و کالاهای ایرانی مورد نیاز عراق و سوریه در بازار این کشورها تثبیت گردد تا شرایط برای بهبود روابط اقتصادی ایران با این کشورها فراهم گردد. دیگر کشورهای همسایه و هم‌سو می‌توانند در مرحله بعدی اقدام قرار بگیرند. این اقدام به‌عنوان یک مسئله اولویت‌دار در فرایند اقتصاد مقاومتی برای وزارت امور خارجه محسوب می‌شود. در میان پروژه‌های مصوب وزارت امور خارجه در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، برای این اقدام پروژه‌ای تعریف نشده است.

۴-۳. تدوین سند دیپلماسی اقتصادی و نقشه راه عملیاتی برای دسته‌بندی

کشورهای طرف تجاری

از نهادهای صرفاً اقتصادی همچون سازمان توسعه تجارت و یا بانک مرکزی نمی‌توان انتظار داشت که به همهٔ مناسبات سیاسی و امنیتی کشور در ارتباط با کشورهای خارجی اشراف داشته باشند. به همین دلیل در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود امتیازاتی که در قالب واردات کالاهای

مصرفی به کشورهای صادرکننده داده می‌شود، بدون برنامه است و نمی‌توان در ازای آن امتیازاتی دریافت کرد. بنابراین لازم است وزارت امور خارجه با تدوین سند دیپلماسی اقتصادی کشور اولویت‌ها و بایدها و نبایدها را برای سایر نهادهای اقتصادی در ارتباط با خارج از کشور معین کند. به‌طور خاص از وزارت امور خارجه انتظار می‌رود یک دسته‌بندی کلی از کشورهای طرف تجاری ایران تدوین نماید و در آن کشورها را به گروه‌هایی تقسیم کند؛ این تقسیم‌بندی می‌تواند در ادامه از سوی نهادهای دیگر مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- الزامات دیپلماسی توسعه‌گرا

برای اینکه سیاست خارجی یک کشور در راستای توسعه گام بردارد به شناخت مناسب از نظام بین‌الملل و در پیش گرفتن الزاماتی برای موفقیت نیاز دارد. نخستین الزام سیاست خارجی توسعه‌گرا، تناسب الگوی توسعه با سیاست خارجی یا دست‌کم نداشتن تعارض و ناسازگاری میان این دو عامل است. از آنجا که سند چشم‌انداز بیست‌ساله گرایشی برون‌گرا دارد، بنابراین سیاست خارجی از ارکان مهم توسعه محسوب می‌شود. این الگوی سیاست خارجی مستلزم دیپلماسی کنش‌مند همه‌جانبه برای بسترسازی جهت استفاده از فرصت‌های خارجی و بین‌المللی است. فراتر از این، موقعیت ژئوپلیتیک، ایدئولوژی سیاسی، فرهنگ و هویت ملی ایران هیچ‌کدام با درون‌گرایی سازگاری ندارد؛ زیرا اسلام دینی جهان‌گیر است که پیامش در محدوده مرزها نمی‌گنجد و از طرف دیگر ایران نیز کشوری بین‌المللی است که تأثیرگذاری آن بر روند تحولات جهانی بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

دومین الزام سیاست خارجی توسعه‌گرا، تناسب و سازگاری آن با اولویت کشورها، مناطق، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است؛ زیرا امروزه جداسازی حوزه توسعه از سیاست خارجی امکان‌پذیر نیست. نکته اساسی این است که نمی‌توان به‌طور هم‌زمان اولویت اقتصادی برای یک کشور یا منطقه قائل بود ولی از نظر سیاست خارجی برای آن اولویت و اهمیت قائل نشد و یا حتی سیاست خارجی تقابلی در پیش گرفت. به‌عبارت بهتر، باید میان سیاست‌ها و اهداف تناسب و همخوانی برقرار کرد. (جوادی، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

سومین الزام، ارائه تصویری مثبت بر پایه واقعیات از جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی و جهانی است. در روابط بین‌الملل کشورها براساس برداشت و تصویری که از یکدیگر دارند، به تنظیم مناسبات و برقراری روابط دست می‌زنند. بنابراین طرز تلقی دیگر کشورها از جمهوری اسلامی ایران حتی بیش از واقعیت‌ها اهمیت دارد. تردیدی وجود ندارد که پیشبرد برنامه

توسعه‌ای که براساس تعامل با کشورهای دیگر باشد دربردارنده تصویرپردازی مثبت در جهت کاهش سوءتفاهم است. ازاین‌رو، بهره‌گیری از زبان و ادبیات در سیاست بین‌الملل، پیش‌شرط مهمی در ارائه تصویری مطلوب به جامعه بین‌المللی است. همچنین استفاده از فرصت‌هایی نظیر آنچه کنفرانس سالانه سازمان ملل متحد برای سران کشورها پدید می‌آورد جهت خنثی‌سازی تبلیغات منفی می‌تواند کارساز باشد. به عنوان نمونه، حضور هر ساله رئیس‌جمهور اسبق جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد در کنفرانس‌های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و به‌کارگیری مناسب دیپلماسی عمومی از طریق سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ملاقات با اصحاب فکر و اندیشه و گروه‌های مختلف بین‌المللی، نقش مهمی را در این زمینه ایفا کرد. برای کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران که در قیاس با دستگاه‌های متنوع غرب - که به ارائه چهره‌ای نامناسب و خشن از ایران اقدام می‌کنند- از فرصت اندکی برخوردارند، این اجلاس‌ها شرایط مناسبی را برای خنثی‌سازی اقدامات برخی رسانه‌های غربی فراهم می‌کند؛ به‌ویژه مصاحبه‌های رئیس‌جمهور با شبکه‌های دارای مخاطب فراوان جهانی می‌تواند نقش مهمی در این رابطه ایفا کند.

چهارمین الزام، جلوگیری از امنیتی‌شدن جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی است. بدین معنا که نباید در ذهن اعضای جامعه بین‌المللی این تصور پدید آید که ایران، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. یکی از راه‌های جلوگیری از امنیتی‌شدن جمهوری اسلامی ایران، فعالیت ابزارهای دیپلماسی در جهت زدودن این ذهنیت است؛ توافق‌نامه برجام نقش مهمی در این امر ایفا کرد و نشان داد جمهوری اسلامی ایران کشوری مسئولیت‌پذیر و صلح‌جو در نظام بین‌الملل است.

تأمین الزامات یاد شده در گرو اعتمادسازی متقابل، چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل و ائتلاف‌سازی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. پایه‌ریزی سیاست خارجی براساس راهبرد تعامل سازنده و مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت که مورد نظر سند چشم‌انداز بیست‌ساله است، می‌تواند دستیابی به اهداف توسعه ملی را میسر و امکان‌پذیر سازد. البته الزامات یاد شده بدون توجه به دگرگونی‌های حاصل شده در اثر فرایند جهانی‌شدن و درک دگرگونی‌های نظام بین‌الملل و در پیش گرفتن استراتژی تعامل با آن امکان‌ناپذیر است. برای اجرای الزامات فوق باید به شاخصه‌های دوران صنعتی و دوران جهانی‌شدن (عصر اطلاعات) توجه کرد. (موسوی، ۱۳۸۷:

جدول شماره ۱. شاخص‌های دوران صنعتی شدن و جهانی شدن (یافته‌های نگارنده)	
شاخصه‌های دوران صنعتی	شاخصه‌های دوران جهانی شدن (عصر اطلاعات)
از قرن نوزدهم تا قرن بیستم	از قرن بیستم تا قرن بیست‌ویکم
ایجاد شده توسط دولت‌های ملی	ایجاد شده توسط بخش خصوصی
حاکمیت ملی	حاکمیت مدنی
مهار بخش خصوصی توسط نیروهای متمرکز شده دولتی	شبکه‌های مستقل شرکت‌ها و نهادهای خصوصی با هویت مستقل از دولت
حساس به مرزها	در جوهره بدون مرز
ترجیح سرمایه‌های داخلی	استقبال از سرمایه خارجی
هدف، پیشرفت کشور از طریق توسعه صادرات و رشد اقتصادی تولید محور	هدف، پیشرفت براساس ارتباط با شرکت‌های شبکه محور و به هم پیوسته
ابتکارهای دولتی	ابتکارهای خلاقانه غیردولتی
تقویت صنایع اولویت‌دار	عدم توجه به صنعتی خاص
دگرگونی تدریجی و بسیار آرام	دگرگونی پرشتاب و سریع
توجه ویژه به منابع ملی	عدم توجه صرف به منابع ملی
خودکفایی اقتصادی	تقسیم‌کار جهانی

با توجه به دگرگونی‌ها و شاخصه‌های فوق‌الذکر، توسعه بدون توجه به دیپلماسی فعال و توسعه‌گرا به صورت مطلوب محقق نمی‌شود؛ لذا توجه هم‌زمان به منابع داخلی توسعه و منابع خارجی آن الزامی است.

۵- راهبردهای تحقق توسعه ملی در سایه دیپلماسی مدبرانه

مهم‌ترین راهکار و پیشران توسعه اقتصادی کشور آن‌گونه که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله آمده است، کسب فناوری پیچیده به‌ویژه در حوزه صنعت نفت و گاز است. به عبارت بهتر، برون‌رفت کشور از فروش مواد خام در گرو تبدیل مواد خام به مشتقات و تولیدات با فناوری پیشرفته است. براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران باید در سال ۱۴۰۴ رتبه اول اقتصاد منطقه را به لحاظ علم و فناوری و تولید بسیاری از محصولات پتروشیمیایی کسب کند. این مهم از یک سو نشان می‌دهد که حلقه اتصال ایران با اقتصاد جهانی، نفت و گاز و صنایع مرتبط با آن است و از دیگر سو، راهبرد توسعه و پیشرفت کشور در تعامل و اتصال به اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازار جهانی در زمینه فناوری و تجارت است. برآیند این رویکرد، ضرورت تعامل و

مشارکت کشور در امور جهانی با انگیزه بهره‌گیری از فرصت‌ها و رفع موانع و تهدیدات در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای کشور است. (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۳)

براساس روندهای تجربه شده در قرن بیستم، متغیرهای خارجی در فعال کردن ظرفیت‌های داخلی نقش مؤثری ایفا کرده‌اند که این مهم در دوران جنگ سرد و در کشورهای آسیای جنوب شرقی قابل توجه است. (هالیدی، ۱۳۹۰: ۹۰) تجربه کشورهای نوظهور اقتصادی ثابت کرده که بدون فعال کردن متغیرهای خارجی در شکل انتقال سرمایه و منابع مالی، کمک‌های فنی و مدیریتی و حمایت‌های سیاسی، ظرفیت‌های داخلی به دستاوردهای توسعه‌ای مداوم تبدیل نمی‌شود. (Jaffrelot, 2008: 335)

نکته مهم و حائز اهمیت در جهت‌گیری کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی این است که اصول و مبانی که در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، نه تنها سیاستگذاران خارجی را به اتخاذ گونه خاصی از سیاست خارجی ملزم نمی‌کند بلکه به دلیل بهره‌گیری از مفاهیم کلان و غیرایدئولوژیک از قابلیت فراوانی برای تطبیق با شرایط برخوردار هستند. اصل ۱۵۳ قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین اصل مرتبط با سیاست خارجی اشاره می‌کند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس «نهی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب» قرار دارد. این مفاهیم همان‌گونه که پیداست بیشتر اصول راهنما هستند و مسیرهای کلان را نشان می‌دهند. بنابراین با حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌توان به گزینه‌هایی اندیشید که فضای تعامل و مراوده با هدف توسعه را فراهم کند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران سه راهبرد سیاست خارجی تعامل‌گرای فعال، سیاست خارجی تقابلی و سیاست خارجی تعامل‌گرای منفعلانه را می‌تواند اجرا کند. (واعظی، جنتی و کرباسیان، ۱۳۹۳: ۴۸۱) جدول شماره ۲ مقایسه این سه راهبرد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. مقایسه سه راهبرد سیاست خارجی (یافته‌های نگارنده)				
نوع سیاست خارجی	رویکرد به جهان	راهبردها	راهکارها	پیامدهای احتمالی
تعامل‌گرای فعالانه	فرصت/تهدید	رقابت/همکاری	متکثر/چندسویه	تعامل مؤثر
تقابلی	تهدید	تهاجم	محدود	رویارویی
تعامل‌گرای منفعلانه	فرصت	همکاری	محدود	وابستگی

بدیهی است در میان موارد فوق الذکر، در پیش گرفتن سیاست خارجی تعامل‌گرای فعال بیش از سایرین تأمین‌کننده اهداف و منافع ملی خواهد بود؛ لذا در جدول شماره ۳ مهم‌ترین اصول سیاست خارجی تعامل‌گرای فعال به‌عنوان گزینه‌ای ارزنده برای تحقق توسعه مطلوب در چارچوب دیپلماسی مدبرانه اشاره خواهد شد.

جدول شماره ۳. اصول سیاست خارجی تعامل‌گرای فعال در چارچوب دیپلماسی مدبرانه برای توسعه ملی				
اصول کلی	راهبردها	الزامات	راهکارها	رویکردها
فرصت‌محوری به جای تهدیدمحوری	توجه هم‌زمان به رقابت و همکاری	بهبود تصویر امنیتی کشور	جلوگیری از افزایش تنش	اولویت دادن به همسایگان در تبادلات خارجی
آرمان‌گرایی واقع‌بینانه	چندجانبه‌گرایی	ثبات‌سازی در منطقه	تداوم همکاری متوازن با قدرت‌های شرقی	اصلاح رویکرد اقتصادی به همسایگان
توسعه‌محوری	ژئوپلیتیک‌گرایی و بهره‌گیری از آن	تلاش برای مجموعه‌سازی	ایفای نقش فعال در نهادهای بین‌المللی	موقعیت جغرافیایی محور توسعه اقتصادی
اعتدال‌گرایی و متوازن‌سازی اهداف		افزایش توان رقابتی کشور	انتخاب منطقه‌ای فعال	توجه به بخش خصوصی
		توجه به نیازها و امکانات ملی		اصلاح سیاست‌ها، قوانین و مقررات

سه رکن اساسی سیاست خارجی توسعه‌گرا عبارت‌اند از: ۱. بازارهای منطقه‌ای و جهانی؛ ۲. فناوری پیشرفته؛ ۳. منابع مالی و سرمایه خارجی. براساس این سه رکن، سیاست خارجی باید فعالیت خود را در سه سطح سامان ببخشد:

الف. در سطح منطقه و همسایگان

توسعه پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موجب تقویت صلح و آرامش در منطقه شده و به شتاببخشی روند توسعه کشورهای منطقه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند. با توجه به نزدیکی ژئوپلیتیکی و مزیت‌های نسبی کشورهای منطقه به نظر می‌رسد، می‌توان با به‌کارگیری دیپلماسی فعال نقش مهمی را در بازار منطقه ایفا کرد.

ب. در سطح قاره آسیا

پیوندهای اقتصادی ایران با چین، ژاپن، هند، کره جنوبی و کشورهای جنوب شرقی آسیا که همگی به نفت، گاز و محصولات پتروشیمی نیازمند هستند، می‌تواند زمینه توسعه را فراهم کند. بهره‌گیری از منابع مالی و سرمایه‌ای و فناوری پیشرفته آن‌ها و در مقابل صدور محصولات انرژی و پتروشیمی ایران می‌تواند زمینه توسعه همکاری در ابعاد گوناگون را فراهم کند.

ج. در سطح سایر کشورهای جهان

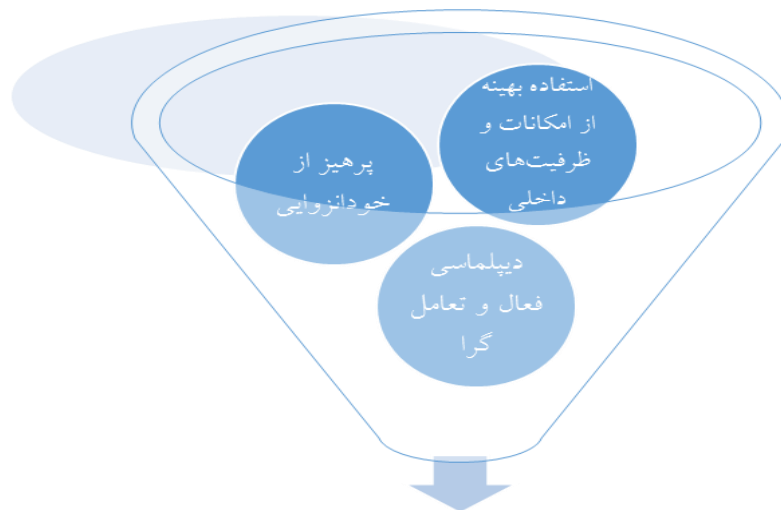
نیازهای توسعه به دو بخش قابل تقسیم است. یکی بازاریابی و صادرات کالا که در این زمینه کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین زمینه مناسبی برای حضور ایران دارند. دولت‌های نهم و دهم بسترهای مناسبی را برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران در آمریکای لاتین فراهم کردند که این امر می‌تواند با دیپلماسی مدبرانه تداوم داشته باشد ولی این دیپلماسی در آفریقا تاکنون مناسب نبوده است. دومین نیاز توسعه، دریافت سرمایه و فناوری پیشرفته از کشورهای جهان است که در این رابطه باید دقیق، منطقی و راهبردی به موضوع نگریست و روابط را براساس منافع متقابل قرار داد.

نتیجه‌گیری

توسعه به‌عنوان محور اصلی جهت‌گیری کلان کشور، در زمره اهداف متقدم سند چشم‌انداز بیست‌ساله قرار دارد. در این سند فرادستی، دستیابی جمهوری اسلامی ایران به رتبه نخست منطقه مورد تأکید قرار گرفته و مسئله هویت انقلابی و اسلامی کشور مطرح شده است. این بدان معنا است که حرکت در مسیر توسعه به مفهوم رویگردانی از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی نیست. براساس این سند، ایران توسعه‌یافته نیز منشأ الهام و الگوبرداری کشورهای اسلامی خواهد شد.

برای تحقق این اهداف والا و ارزشمند، دیپلماسی مطلوب باید فعال، تعاملی، پویا و فرصت‌ساز باشد تا از یک‌سو زمینه‌های باروری فرایند توسعه ملی را ایجاد کند و از سوی دیگر نیز نیرومندان، سهم افزون‌خواهانه‌تری را در تأثیرگذاری بر جهت‌گیری‌ها، ماهیت روندها و فرایندهای مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد. از این رهگذر جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست ضمن افزایش نقش مشارکتی خود در نظام بین‌الملل، قابلیت‌های لازم را برای بهره‌گیری از دیپلماسی فعال و مدبرانه در جهت توسعه ملی فراگیرد.

ملت ایران با پشتوانه‌های تمدنی و فرهنگی غنی که خردورزی دینی، ارزش‌های انسانی و انقلاب اسلامی را با یکدیگر عجین ساخته، از این قابلیت برخوردار است تا به رتبه‌های برتر جهانی در حوزه‌های مختلف دست یابد. این حرکت نیاز به اندیشه و برخورداری از ابزارهای مناسب و راهبردهای منطقی دارد. دیپلماسی مدبرانه می‌تواند ابزاری مؤثر در حرکت پیوسته و رو به تکامل ایران به سوی پیشرفت و توسعه باشد. راه تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، خودانزوایی و قرار گرفتن در فضای تقابل، تهدید و تنش با نظام بین‌الملل و کشورهای منطقه نیست. در این شرایط اتخاذ دیپلماسی مدبرانه و توسعه‌گرا، گسترش تعامل به‌ویژه با همسایگان و محیط پیرامونی و همچنین ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور و اصلاح قوانین اقتصادی ناکارآمد برای ایجاد زمینه حضور سرمایه‌های خارجی امری اجتناب‌ناپذیر است. فاصله گرفتن از فضای امنیتی در حوزه بین‌المللی مسئله بسیار مهمی است که با ابزار دیپلماسی امکان‌پذیر است.



تحقق توسعه از طریق دیپلماسی مدبرانه

شکل شماره ۴. الگوی نهایی پژوه

تجربیات سایر کشورها مانند ژاپن، چین، هند و مالزی نشان می‌دهد پیشرفت اقتصادی رابطه مستقیمی با احساس آرامش، ثبات و امنیت در مرزهای سیاسی دارد. با عنایت به موضوعات پیش گفته، برای تحقق توسعه از طریق دیپلماسی مدبرانه سه محور مهم باید مورد توجه قرار بگیرد. نخست، مدیریت و بهره‌گیری بهینه از منابع، ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های داخلی به‌عنوان پشتوانه دیپلماسی. دوم، مقابله با تلاش‌های دشمنان برای انزوای ایران و پرهیز از خودانزوایی.

سوم، اتخاذ دیپلماسی مدبرانه، فعال و تعامل‌گرا با توجه به این نکته که در جهان امروز اغلب کشورها نه یکسره دوست محسوب می‌شوند و نه یکسره دشمن و رقابت یا حتی رویارویی کشورها در برخی حوزه‌ها، لزوماً راه را برای همکاری میان آن‌ها در سایر حوزه‌ها نخواهد بست.

در شرایط کنونی، برای تحقق اهداف کلان ملی، ایجاد تعامل متقابل میان دو سطح داخلی و خارجی ضروری است. توسعه به‌عنوان محور سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ فرایندی برون‌گرا و تعاملی میان سطوح ملی و بین‌المللی است. طراحان دیپلماسی باید با درک اهداف و راهبردهای کلان ملی از یکسو و فرصت‌ها، امکانات و محدودیت‌های بین‌المللی از سوی دیگر از راه ایجاد تعامل سازنده میان دو سطح داخلی و خارجی، زمینه تحقق اهداف کلان ملی را براساس سند چشم‌انداز فراهم کنند. با در نظر گرفتن راهبرد مذکور می‌توان راهبردهای زیر را مورد توجه قرار داد:

- تعامل پویا و پیوسته میان سیاست خارجی و داخلی؛
- ایجاد تقارن میان بخش‌های گوناگون؛
- ارائه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کشور در سطح بین‌المللی؛
- حمایت از بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی توسط دستگاه دیپلماسی در جهت کمک به توسعه صادرات و نیز تحقق توسعه ملی؛
- برخورداری از راهبردهای بلندمدت تثبیت‌شده و پرهیز از طرح‌ها و دستورکارهای پیش‌بینی نشده؛
- گسترش همکاری‌های دوجانبه در سطوح مختلف با اولویت همسایگان و کشورهای منطقه خاورمیانه؛
- بهره‌گیری از روابط فرهنگی و تاریخی برای افزایش توان ملی؛ تلاش برای حاکم کردن گفتمان صلح دوستی و پرهیز از تنش در روابط بین‌الملل؛
- تلاش برای اتحاد و وحدت کشورهای اسلامی و همگرایی در جهان اسلام؛
- دگرگون ساختن ذهنیت پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از تروریسم با در پیش گرفتن دیپلماسی عمومی فعال؛
- تلاش برای حاکمیت چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی؛
- به‌کارگیری دیپلماسی کارآمد برای زمینه‌سازی صدور فناوری‌های ملی (فناوری‌های مهندسی، نانو و پزشکی) با اولویت کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، آفریقا و آمریکای لاتین؛

- کاهش درجه خطرپذیری کشور در رابطه با جلب سرمایه‌های خارجی؛
- استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در جهت پیشبرد طرح‌های ویژه اقتصادی؛
- انعقاد قراردادهای همکاری بازرگانی مانند کنار گذاشتن مالیات‌های مضاعف، تعرفه ترجیحی و تشویق سرمایه‌گذاری متقابل.

References

- Ajili, Hadi and Afshariyan, Rahim (2017): “Moderation Discourse in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran”, of Journal of Strategic Research of Politics, Winter, Volume 5, Issue 19, Serial Number 49. (In Persian)
- Baenett, Michael and Duvall Raymond (2005): “Power in International Politics”, International Organizations, Winter, No, 23.
- Daneshnia, Farhad (2013): “Globalization and Islamic Republic of Iran developmental strategy”, Journal Strategic Studies of Public Policy, Spring, Volume 3, Issue 9, Serial Number 9. (In Persian)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2003): “Foreign Policy Requirements of National Development in the 20-Year Perspective of Iran”, Journal of Political and International Approaches, Fall and Winter, No. 5. (In Persian)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2008): “Necessities and Function of Diplomacy in Developmental Foreign Policy”, Collection of articles on developmental foreign policy, Tehran: Strategic Research Institute. (In Persian)
- Halliday, Fred and Others (2011): The New Middle East, Translated by Asgar Ghahramanpour, Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Jaffrelot, Christophe (2008): The Emerging States, London: Hurst Compony.
- Javadi, Mohammad Jafar (2008): “Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Vision 1404 Document”, Collection of articles on developmental foreign policy, Tehran: Strategic Research Institute. (In Persian)
- Mahmudi Raja, Seyed Zakarya and Emamjome Zadeh, Seyed Javad (2016): “Analyzing role of Resistive economy in fulfillment of the IslamicIranian discourse and Iran 1404 outlook document”, The Islamic Revolution Approach, Volume 9, Issue 33. (In Persian)

- Mousavi, Seyed Mohammad Ali (2008): “Globalization and the most necessary requirement of development-oriented foreign policy”, Collection of articles on development-oriented foreign policy, Tehran: Strategic Research Institute. (In Persian)
- Movaseghi, Seyed Ahmad (2004): “Development; Conceptual and theoretical evolution”, Journal of Law and Political Science, University of Tehran, Winter, Volume 63. (In Persian)
- Ramezani, Ruhollah (2004): An Analytical Framework for the Study of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Nashr-e Ney, Third edition. (In Persian)
- Ranjbar Ardakani, Samad (2017): “Barriers to the Realization of Resistance Economics in the Islamic Republic of Iran”, The Islamic Revolution Approach, Volume 11, Issue 39. (In Persian)
- Rezaei Mirghaed, Mohsen and Mobini Dehkordi, Ali (2006): The Future of Iran on the Horizon of Perspective, Tehran: Indika Publications. (In Persian)
- Vaezi, Mahmoud (2008): “Constructive Interaction Strategies and the Requirements of Developmentalist Foreign Policy”, Collection Book of Developmentalist Foreign Policy Articles, Tehran: Strategic Research Institute. (In Persian)
- Vaezi, Mahmoud, Jannati, Ali and Karbasian, Massoud (2014): Foreign Policy Strategy to Promote the Economic Status of the Islamic Republic of Iran in the New International Conditions, Tehran: Tehran Chamber of Commerce Industries Mines and Agriculture.
- Verdinejad, Fereydoon (2008): “Foreign Policy Management at the National Perspective”, Collection Book of Developmentalist Foreign Policy Articles, Tehran: Strategic Research Institute. (In Persian)